

حکایت زورخانه‌ای متروکه در دل بازار تهران

گود خالی، حسرت پهلوانان

مریم طالعانی
گزارش‌نویس

زیر سقف پلاک ۱۲۵ کوچه غریبان هیچ خبری نیست. این خاموشی با روح پر جنب و جوش بازار بزرگ تهران هیچ نسبتی ندارد چوری که اگر کسی به شما بگوید روزی در گذشته نه چندان دور این ساختمان متروکه چه برو و ببیای داشته، شاید خیلی باورتان نشود. روی تابلوی قدیمی سفیدی که بالای آن با خط نستعلیق و رنگ مشکی عبارت «سازمان ورزش ایران» دیده می‌شود، بزرگ نوشته‌اند «زورخانه هنر» زیر نوشته هم سال تأسیس دیده می‌شود که فقط هزار و سیصدش باقی مانده است. پنجره‌ها شکسته است و یک قفل آهنی روی در فلزی که جابه‌جا رنگش ریخته و اثر زنگ‌زدگی روی آن مشاهده می‌شود، به چشم می‌خورد. هیچ نشانی از زندگی و سرزندگی در این زورخانه نیست.

می‌دانید چرا اینجا تعطیل شده است؟ این را از مردان جوان می‌پرسم که از کاسب‌های اطراف زورخانه است. با این پرسش انگار تازه توجهش به آنجا جلب می‌شود. نگاهی می‌کند و شانه بالا می‌اندازد: «از وقتی من اینجا هستم همینجوری است. خبری نیست. انگار قرار بود خرابش کنند اما نمی‌دانم چه شد. خبر ندارم صاحبش کیست.»

این سؤال را از یکی دو نفر دیگر هم می‌پرسم و پاسخ‌های مشابهی می‌گیرم. اما عاقبت کسی پیدا می‌شود که زورخانه را می‌شناسد و از پیشینه‌اش خبر دارد. جاوید محمدشاهی بچه کوچه غریبان است. آن وقت‌ها که هنوز این کوچه مسکونی بوده و خانه‌ها کنار هم ردیف شده بودند و بچه‌ها عصرها توی کوچه بازی می‌کردند و صدای خنده و شادی شان فضا را پر می‌کرد.

آقا جاوید یکی از همان بچه‌های قدیمی است. می‌پرسم می‌دانید چرا اسم اینجا را گذاشته‌اند زورخانه هنر؟ جواب می‌دهد: «نمی‌دانم، اسمش را همینجوری

گذاشته‌اند. فکر کنم دلیل خاصی ندارد. شاید چون زورخانه فقط یک مکان ورزشی نیست و با فرهنگ و هنر مردم ما در ارتباط است. این زورخانه معروفی در دل بازار بود و همه آن را می‌شناختند. از دور و اطراف برای ورزش اینجا می‌آمدند. یک زورخانه دیگر هم در میدان قیام بود اما اینجا برای اهالی و کاسب‌های منطقه بهترین و نزدیکترین مکانی بود که وجود داشت. اینطوری بگویم که جدی روی آن حساب می‌کردند و برای همه شناخته شده بود.»

باربری با گاری انباشته از گونی‌های بزرگ از جلوی زورخانه رد می‌شود. هر روز باربران زیادی از اینجا می‌گذرند و عابرن زیادی هم که احتمالاً هیچ کدامشان توجه خاصی به این ساختمان متروکه که تماشای عکس‌های قدیمی از داخل آن آه از نهاد آدم بلند می‌کند، نمی‌کنند.

چشم می‌بندم و تصور می‌کنم. صدای ضرب زورخانه در سرم می‌پیچد و گروه ورزشکاران را می‌بینم که یکی یکی وارد گود می‌شوند و زمین را می‌پوسند. مرشد می‌خواند: «به نام خداوند آیین مهر/ به یزدان ماه و کیان و سپهر/ به این گود و میدان که دارد نشان از علی/ بگو از دل و جان علی یا علی» مبل‌ها برداشته می‌شود و در هوا می‌چرخد. کسی به میانه گود می‌رود و مبل را به هوا پرتاب می‌کند و آن را روی هوا می‌گیرد و نگاه تحسین‌برانگیز همقطارانش او را دوباره به وجد می‌آورد تا دوباره مهیای پرتابی دیگر شود.

ساکن قدیمی کوچه غریبان رشته خیال را پاره می‌کند: «اینجا خانه بود و مسکونی. من خودم همین جا به دنیا آمده‌ام و زندگی کرده‌ام. از بچگی به همین زورخانه می‌رفتم و ورزش می‌کردم. من متولد سال ۲۷ هستم و از ۱۰ سالگی می‌آمدم اینجا برای ورزش. «مرد لختی سکوت می‌کند و نگاهی حسرت‌بار به شمالی از شکل افتاده زورخانه می‌اندازد و ادامه می‌دهد: «اینجا تا ۱۵ سال پیش هم

دایر بود و کار می‌کرد. مردم برای ورزش می‌آمدند و هنوز شور و حال زورخانه به راه بود. بعد بیکو تعطیل شد چون اینجا دیگر منطقه مسکونی نبود و خانواده‌ها از محله رفته بودند و برای همین دیگر زورخانه کارکردش را از دست داد. گرچه بازاری‌ها همچنان علاقه داشتند برای ورزش به اینجا بیایند اما وقتی زورخانه تعطیل شد آنها هم کم‌کم یادشان رفت. یک دلیل دیگر مخروبه شدن این زورخانه هم این است که وراثت با هم اختلاف پیدا کردند و گفتند که اینجا باید بسته شود وگرنه اگر باز بود مردم همچنان می‌آمدند و ورزش می‌کردند. همین الان هم اگر آن را راه بیندازند خیلی‌ها می‌آیند و ورزش می‌کنند چون ورزش زورخانه‌ای را دوست دارند. یکی اش خود من که عاشق ورزش زورخانه‌ای هستم چون یک ورزش خیلی عالی است؛ هم در آن سلام و صلوات هست و هم احترام و هم همه بزرگی و کوچکی سرشان می‌شود. اینها چیزهایی است این روزها کم‌کم دارد فراموش می‌شود و خیلی خوب است اگر این خصوصیات مثبت با آیین‌های کهن ما دوباره بین مردم برگردد و روحیه جوانمردی دوباره تقویت شود.»

کسی از اهل محل رد می‌شود و دو مرد با هم خوش و بشی می‌کنند. به او می‌گویند دارم درباره زورخانه حرف می‌زنم و مرد دیگر سری به نشانه تأسف تکان می‌دهد و می‌گذرد. معلوم است که او هم امید می‌بخشد به بازگشایی ورزشگاه باستانی ندارد و آن را از دست رفته می‌داند.

«من خودم آن زمان با پدرم اینجا می‌آمدم و خاطرات زیادی از آن دوران دارم. اینجا مثل همه زورخانه‌ها درش کوتاه بود و دلیل آن هم این بود که طرف هرچقدر هم هیجلی باشد باید خم شود و داخل زورخانه شود و این یعنی باید افتادگی و فروتنی داشته باشد. حالا که این زورخانه را می‌بینم که

مخروبه شده خیلی ناراحت می‌شوم و غصه‌ام می‌گیرد. گاهی سر برمی‌گردانم که چشمم به آن نیفتد. یادم می‌آید زمانی که می‌آمدم و ورزش می‌کردیم روحیه مان بالا می‌رفت و حالمان خوب می‌شد. همیشه وقتی چشمم به این زورخانه می‌افتد می‌گویم خدا بیامرز آن حاج کاظم را که صاحب اینجا بود؛ حاج کاظم جباری که خودش هم در این زورخانه ضرب می‌گرفت و مرشد بود. ما که بچه بودیم و به زورخانه می‌آمدم صدایمان می‌کرد و می‌گفت شما بیایید اینجا چون بچه اینجا هستی من می‌خواهم اسم شما را از این باشگاه بفرستم برای منطقه تهران که بیاید ورزش کنید و یاد بگیرید و

بروید مسابقه بدهید و مقام بیاورید. اینجا برای خودش اسم و رسمی داشت.» تعطیلی و متروکه شدن زورخانه معروف بازار البته چیز غریبی نیست. همین چند وقت پیش بود که مهرعلی باران چشمه رئیس فدراسیون ورزش‌های زورخانه‌ای و کشتی پهلوانی کشور اعلام کرد که تنها در تهران ۱۰ زورخانه بسته شده و به قهوه‌خانه و رستوران سنتی تبدیل شده‌اند. به گفته او ورزش زورخانه‌ای با وجود قدمت دست‌کم ۹۰۰ ساله وضعیت خوبی ندارد و شاهدش اینکه ۲۲۰ شهر کشور زورخانه ندارند. این مقام مسئول معتقد است که شهرداری‌ها باید تدبیری اتخاذ کنند تا



ایران

زورخانه‌های قدیمی به آثار ملی تبدیل شود. ثبت ملی این زورخانه‌ها مانع تغییر کاربری آنها می‌شود و باید با این کار این رشته ملی و آیینی را احیا کرد. باد خنک پاییز وزیدن می‌گیرد و صدایی از شیشه‌های نیم‌شکسته زورخانه بلند می‌کند چوری که آدم خیال می‌کند فروریزند و سیمای ساختمان متروکه را متروکه‌تر کنند. حالا گود خالی زورخانه هنر، سال‌هاست دارد خاک می‌خورد و نه نشانی از ورزشکارانی است که خم می‌شوند و گود را می‌پوسند و نه اثری از مرشد پیر که صدایش در فضا می‌پیچد و آهنگ پهلوانی سر می‌دهد.

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

جدول عادی

- ۱- ناراحت - بازیگر سریال در حال پخش «جزر و مد»
- ۲- تخلص استادهمای - همانندی - شرکت خودرو ساززاپنی
- ۳- جستجو کردن - سیاسگزاری - نجات و عواقب کار
- ۴- کسی که به دوست خود کمک کند - سودای ناله - امر به گداختن
- ۵- از خواهران بروته - نوعی فرش با پرهای بلند - سقف ریخته - شالوده
- ۶- از ماهیان پرورشی - موهای پشت لب - فیگور
- ۷- وثیقه - بنای قدیمی - میوه خون ساز
- ۸- آدمک پوشالی - بسیاری - شستشوی بدن در آب سرد
- ۹- نرمی - کمک و مدد - معشوقه «رامین»
- ۱۰- خرنده گزنده - سرما آفرین تابستانی - کاسه ظرفشویی
- ۱۱- درخت سایه‌گستر - درختی - یواش - آقای آلمانی
- ۱۲- نما - خودآرایی - هندبا
- ۱۳- زنان - آباد - مقابل «رسیده»
- ۱۴- برتر، والا - از عوامل تشدید خستگی - سنگسار
- ۱۵- کشور «عشق آباد» - نامید

عمودی:

- ۱- معاون و آسیستان - پنجمین دانشگاه برتر کشور
- ۲- یکی از زیباترین شهرهای استان اصفهان - اشک بار - پرنده‌ای پرسرو صدا
- ۳- خسارت دیده - رگهای تغذیه کننده قلب - فلس ماهی
- ۴- فیلمی از «نیما جاویدی» - نشانه‌ها
- ۵- پایتخت «ایتالیا» - درخت همیشه سبزی در ایران - پارچه گیاهی
- ۶- نرس - معمولاً در خانه مردم می‌کشند! - پول «چین»
- ۷- صدای خالی شدن بادتیوب
- ۷- ریزه چوب و علف - سرشار - موشکافی
- ۸- دام صیاد - دستگاه حسگر - نام دیگر داریوش سوم
- ۹- شهر آذری - استخر - لانه پرندگان
- ۱۰- ضمیر متصل - پنداری - سهولت - مخفف راه
- ۱۱- عضو ماشین - گاو تبتی - خسیسی اندک
- ۱۲- چوپان - اشتراک روزنامه و مجله
- ۱۳- برنج فروش - از شاخه‌های علوم زیستی - مرکز استان مازندران
- ۱۴- اولین پیامبر - افزودنی های مجاز غذایی - محصول هنرستان
- ۱۵- مرجع رسمی نظامات و شکایات - عید فرنگیان

جدول ویژه

- ۱- دستگاه حسگر - کتاب «ایزابیل آند»
- ۲- شبیه - درخشان - رانده شده
- ۳- سزاوار - هدیه - رمان «کنز ابورو انه» نویسنده ژاپنی
- ۴- زخمی - معطر کننده جای - گلزن سابق پرسپولیس
- ۵- او - بنفش روشن - محله قدیمی تهران - سبلی
- ۶- واگیر - نویسنده «گاندید» - دفع کننده
- ۷- کلمه تصدیق - برگ‌ها - پسوند نواختن
- ۸- قسمت چوبی ته تفنگ - ماهی - فیلم «هنری کاستر»
- ۹- مستحضر - کشوری در قاره کهن - رغبت
- ۱۰- قدرت - نان پز - اسم دخترانه

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

Table with 9 columns and 9 rows for a Sudoku puzzle. The grid contains numbers 1-9 in some cells and empty cells for solving.

Table with 9 columns and 9 rows for a second Sudoku puzzle. The grid contains numbers 1-9 in some cells and empty cells for solving.

سخت

Table with 9 columns and 9 rows for a harder Sudoku puzzle. The grid contains numbers 1-9 in some cells and empty cells for solving.

خیلی سخت

Table with 9 columns and 9 rows for a very hard Sudoku puzzle. The grid contains numbers 1-9 in some cells and empty cells for solving.

حل جدول سودوکو شماره ۲۱۰

Solved Sudoku grid for puzzle 210, showing the final arrangement of numbers 1-9 in a 9x9 grid.

بجس استیج

بجس

بجس

بجس

۸۰۷۰

- ۵- همسر «اسکارت» - گرم - حد و حساب
- ۶- آسیب - جاسوسخانه آمریکا - تأیید پست اینترنتی - از اعضا، جفتی بدن
- ۷- فساد و نابودی - میانجیگری - محله
- ۸- کفش تابستانی - نقاش هلندی - وردست شاطرنواایی
- ۹ - از رفبای فارسی - شاه ایلخانیان - پارچه‌ای که روی بالش کشند
- ۱۰- طلیعه اعداد - بچه پرو - قلاب کفش - خم بزرگ
- ۱۱- خودبینی - سنگ قیمتی - هدیه شاخه‌ای!
- ۱۲- شیپور - بدون ارتباط
- ۱۳- دهی دیدنی در کرمانشاه - شهر «سوئیس» - فیلم خسرو معصومی
- ۱۴- یک دوم هر چیز - رایج شدن - ضد «حرارت»
- ۱۵- رونوشت برداری از یک مولکول DNA - شهر «اسکاتلند»

Large grid for a crossword puzzle with numbers 1-15 and black squares indicating non-letter positions.

Small grid for a crossword puzzle with numbers 1-15 and black squares.

Small grid for a crossword puzzle with numbers 1-15 and black squares.

حل جدول عادی شماره ۸۰۶۹

Solved crossword grid for puzzle 8069, showing the final arrangement of letters.